

Principles and Challenges of Citation to the Qur'anic Verses in Medical Sciences

Mosallaei Pour A.* *PhD*

*Quranic Sciences and Hadith Department, Theology, Islamic Education and Guidance Faculty, Imam Sadiq^(a.s) University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Medicine is an applied science, the purpose of which is to preserve and promote human health, to treat diseases, and to rehabilitate injured people. This purpose is achieved by recognizing, diagnosing, treating, and preventing the diseases. Despite the position of the Holy Qur'an in the field of health, utilizing the Holy Quran in Iran's medical science output is at a low level. One of the characteristics of the Holy Qur'an is "Shefa". Since "Shefa" is precedent to disease, it is meant improving and treating the disease as well as cause of improving and treating it. The main purpose of descending the Qur'an is the spiritual guidance of humans to perfection and happiness. Reaching the perfection requires breeding the soul, body health, and its nutrition. The aim of this descriptive-analytic study was to examine the most important principles and challenges of citation to the Qur'anic verses in medical sciences.

Conclusion: The most important principles of citation to Qur'anic verses in the medical sciences are the wisdom nature of the word and the action of Allah, the Holy Qur'an healing, being beyond the age and immortality of the Holy Qur'an, and the invitation of human to meditation and accuracy. Also, the use of non-deterministic sciences as symbols and the imposition of medical issues on the verse, regardless of the implications of the appearance of the verse and existing evidence, are of the most important challenges of citation to Qur'anic verses in medical sciences.

Keywords

The Quran [Not in MeSH];
Medical Sciences [Not in MeSH];
Interpretative Methods [Not in MeSH];
Quran Healing [Not in MeSH];
Scientific Interpretation [Not in MeSH];
Scientific Miracle [Not in MeSH]

* Corresponding Author

Tel: +98 (21) 22422528

Fax: +98 (21) 88080424

Post Address: Islamic Education and Guidance Faculty, Imam Sadiq^(a.s) University, Management Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran
amusallai@isu.ac.ir

Received: September 23, 2017

Accepted: December 31, 2017

ePublished: February 6, 2018

مبانی و چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی

عباس مصلایی‌پور* PhD

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: پزشکی یک علم کاربردی است. هدف آن، حفظ و ارتقای سلامت انسان، درمان بیماری‌ها و بازتوانی آسیب‌دیدگان است. این منظور، با شناخت بیماری‌ها، تشخیص، درمان و جلوگیری از بروز آنها به‌انجام می‌رسد. نظر به جایگاه قرآن کریم در زمینه بهداشت و سلامت، سهم بهره‌گیری از قرآن کریم در برون‌داد علوم پزشکی ایران اندک است. یکی از اوصاف قرآن کریم، "شفاء" (به کسر شین) است. از آنجا که "شفاء" مسبوق به بیماری است، لذا در معنای بهبود و درمان بیماری و نیز سبب بهبود و درمان به‌کار می‌رود. هدف اصلی نزول قرآن، هدایت معنوی انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است. رسیدن به کمال، نیازمند پرورش روح و سلامت جسم و تغذیه آن است. هدف از این مطالعه که به‌روش توصیفی-تحلیلی نوشته‌شده، بررسی مهم‌ترین مبانی و چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی بود.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی عبارت است از: حکیمانه‌بودن قول و فعل ذات باری‌تعالی، شفافیت قرآن کریم، فراعصری‌بودن و جاودانگی قرآن کریم و دعوت انسان به تفکر و دقت. همچنین استفاده از علوم غیرقطعی به‌عنوان قرینه، و تحمیل مطالب علوم پزشکی بر آیه بدون درنظرگرفتن دلالت ظاهر آیه و قرائن موجود، از مهم‌ترین چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علوم پزشکی، روش‌های تفسیری، شفافیت قرآن، تفسیر علمی، اعجاز علمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰

*نویسنده مسئول: amusalai@isu.ac.ir

مقدمه

از مباحث قابل توجه در عصر حاضر، مبحث قرآن کریم و علوم جدید است. این مساله، ذهن بسیاری از مفسران شیعه و سنی و حتی برخی دانشمندان غیرمسلمان را به خود مشغول داشته است. از سویی مباحث مربوط به ماهیت علوم تجربی و رابطه آن با قرآن کریم و قلمرو علم و قرآن و تعارضات ابتدایی در این مورد و از سویی دیگر علاقه مردم و دانشمندان به این مبحث و دیدگاه‌های متفاوت مفسران و از سوی سوم مثال‌های متنوع و زیاد که حدود هزار آیه قرآن را دربرمی‌گیرد سبب شده که مبحثی گسترده به نام تفسیر علمی در روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم پدید آید. در تفسیر علمی، مفسر با آگاهی از دستاوردهای علوم تجربی، درصدد انطباق آنها با آیات قرآن برمی‌آید. ازاین‌رو، این روش تفسیری همواره در معرض لغزش و انحراف قرار دارد و آن تحمیل نظریه‌های ناپایدار علمی بر آیات قرآن کریم است. به این سبب عده زیادی از مفسران بزرگ با این روش تفسیری به مخالفت برخاسته‌اند^[۱]. نظر به جایگاه قرآن کریم در زمینه بهداشت و سلامت که حدود ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم ناظر به علوم پزشکی است^[۲]، سهم بهره‌گیری از قرآن کریم در برون‌داد علوم پزشکی اندک است. براساس پژوهشی، میزان بهره‌گیری از قرآن کریم در تمامی برون‌دادهای علمی مورد بررسی در حوزه علوم پزشکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در دامنه‌ای بین ۰/۱٪ تا ۱٪ بوده است. این برون‌دادها اعم از پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی و چکیده مقالات همایش‌های علوم پزشکی هستند^[۳]. پزشکان مسلمانی که کوشش داشته‌اند اعجاز علمی قرآن کریم را نشان دهند، از آیات قرآنی برای نشان‌دادن

تصویری علمی سود برده‌اند. برای نمونه می‌توان به "الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم" از سعید صلاح الفیومی اشاره کرد. نویسنده در این اثر به موضوع اعجاز قرآن کریم درباره مسایل طبی و پزشکی می‌پردازد. موضوع جسم انسان و ساختار آن، مراحل رشد و نمو آن، مراحل آفرینش جنین، تشریح جنین، شیردهی، پیری، طلاق، راز لزوم نگاه‌داشتن عده در آن، حواس انسان، علت تحریم برخی خوردنی‌ها از موضوعاتی است که نویسنده در این نوشتار بررسی و اعجاز قرآن کریم را درباره آنها بیان کرده است^[۴]. از آنجا که برخی از این اشارات علمی در زمان نزول قرآن کشف نشده بود و بشر قرن‌ها بعد در سایه پیشرفت علوم تجربی به بخشی از آنها پی برد، طرح این مطالب علمی در قرآن، اخبار غیبی و اعجاز علمی این کتاب آسمانی محسوب می‌شود. هدف از این مطالعه که به روش توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است، بررسی مهم‌ترین مبانی و چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی بود.

مهم‌ترین مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی

"مبانی" جمع "مبنی" است که در لغت به معنای بنیان، اساس و پایه آمده است^[۵]. مراد از مبانی، آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی در مورد عناصر اساسی دخیل در فرآیند تفسیر و فهم قرآن کریم است^[۶]. مهم‌ترین مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی به شرح زیر است.

۱) حکیمانه‌بودن قول و فعل ذات باری‌تعالی

یکی از مهم‌ترین مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی، حکیمانه‌بودن قول و فعل خداوند متعال است. ذات باری‌تعالی ۹۰ بار صفت "حکیم" را برای خود به‌کاربرده است^[۷]. "حکیم" در لغت به معنای کسی است که امور را محکم و متقن انجام می‌دهد و نیز به معنای صاحب حکمت یعنی دارای کامل‌ترین شناخت نسبت به اشیا است^[۸]. بنابراین حکیم‌بودن ذات باری‌تعالی به دو معنی است؛ یکی به معنی اتقان و کامل‌بودن افعال خداوند است و دیگری به معنی شناخت اشیا است که البته شناختی کامل‌تر از شناخت خداوند وجود ندارد. در اصطلاح، حکیم یعنی فاعلی که کار او بی‌هدف، بازیچه، یاه و باطل نباشد. در آیات فراوان با تعبیر گوناگون، این عناوین منفی، از خدا و فعل او سلب شده است؛ "ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم" (سوره الانبیا، آیه ۱۶). "آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود" (سوره القیامه، آیه ۳۶). هرگز چنین نیست، چون از مبدا حکمت، کار بی‌هوده صادر نمی‌شود^[۹]. خداوند متعال، قرآن را نیز با صفت "حکیم" وصف کرده است. "این آیات کتاب حکیم است" (سوره لقمان، آیه ۲). به تعبیر علامه طباطبایی، خداوند قرآن را با صفت "حکیم" وصف کرده، تا نشان دهد که سخن لاهو و بی‌مایه‌ای نیست، بلکه کتابی است که هیچ خللی در آن نیست، تا لاهو و سخن باطل در آن راه یابد^[۱۰]. با عنایت به مطالب پیش‌گفته، باید گفت که این مقدار تاکید بر حکیمانه‌بودن قرآن کریم، نشان از آن دارد که واژگان و تعبیر به‌کاررفته در قرآن کریم و به تبع آن مفاهیم و معانی که از آنها افاده می‌شود در همه ابعاد حکیمانه و هدفمند است. خلاصه آنکه گزاره‌های قرآن کریم، واقع‌نما و معرفت‌بخش هستند و باطل بدان راه نمی‌یابد. از این‌رو اشارات قرآن کریم به طیف گسترده‌ای از پدیده‌های طبیعی و بالتبع، گزاره‌های ناظر به علوم پزشکی می‌تواند بیانگر بسیاری از حقایق علمی باشد و اگر کسی ادعا کند که این مطالب مطابق سطح فهم مخاطبان بوده و لازم نیست که در همه موارد مطابق با واقع باشد، این به وضوح راه‌یافتن باطل به قرآن کریم است که خداوند به صراحت قرآن کریم را از آن منزّه دانسته است؛ "هیچ‌گونه باطلی، نه

قرآن بر بهداشت روانی انسان منتشر شده است. برای نمونه می‌توان به مواردی مانند، تاثیر مداومت بر قرائت قرآن و نیز فهم آن بر کاهش درد، اضطراب و افسردگی، دمیدن روح امید و دوری از یأس در سایه قرائت و فهم قرآن، دعوت قرآن به صبر و تاثیر آن در کاهش فشارهای روانی، دعوت قرآن به توکل بر خدا و نقش آن در حل مشکلات و آرامش روانی، تاثیر یاد خدا در آرامش دل و رفع اضطراب و نگرانی، تاکید بر محبت به پدر و مادر و تاثیر آن در سلامت روانی افراد خانواده، تاکید بر حجاب در مورد بانوان و نقش آن در سلامت روانی زنان، دعوت قرآن به ازدواج و تشکیل خانواده و تامین آرامش فردی و سلامت محیط اجتماع، ممنوعیت سوءظن، تجسس و غیبت و اثرات آن بر سلامت جامعه و شخصیت افراد، اشاره کرد [15, 16].

درباره درمان بیماری‌های جسمی در قرآن کریم، شایان ذکر است که قرآن کتاب بهداشت و درمان و پزشکی نیست؛ بلکه کتاب هدایت و تربیت معنوی افراد و جامعه است و اگر به مطالب پزشکی و بهداشتی و علمی اشاره‌ای کرده است به خاطر این است که راه خداشناسی را هموار کند؛ حس کنجکاو بشر را تحریک نماید تا در زمینه‌ی علوم تجربی رشد نمایند و در پی کشف آن برآیند؛ اعجاز علمی قرآن را به اثبات برساند و علت مهم‌تر اینکه به خاطر پیوستگی نیازهای جسمی و روحی با همدیگر و تاثیر آنها بر همدیگر قرآن بر خود لازم می‌داند که به بهداشت جسمی انسان نیز به طور ویژه توجه کند زیرا در کمال روحی او تاثیر دارد. بنابراین، قرآن برای تامین سلامت و بهداشت جسم مطالبی بیان فرموده که اگر در حد اعجاز علمی نباشد قطعاً برخی از آنها جز شگفتی‌های علمی است. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) بهداشت غذایی: مانند خوردن غذاهای پاک؛ "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید ..." (سوره البقره، آیه ۱۷۲)، اعتدال در خوردن غذا و عدم اسراف در غذا؛ "... (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد!" (سوره الاعراف، آیه ۳۱). البته لازم به توضیح است که "اسراف" کلمه جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت، بیهوده‌گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. اسراف مصادیق گوناگونی دارد مانند زیادخوردن و آشامیدن، فرودادن سریع غذا بدون جویدن کامل، زیاده‌روی در خوردن یک نوع غذا و تجاوز از خوردن خوراکی‌های حلال و روی آوردن به حرام [17]. مورد بعدی نهی از خوردن مردار، گوشت خوک و خوردن خون است؛ "بگو، در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ به جز اینکه مردار باشد یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته یا گوشت خوک که اینها همه پلیدند..." (سوره الانعام، آیه ۱۴۵). نمونه دیگر در رابطه با گوشت حرام که در قرآن کریم آمده است که "گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه‌شده و به زجر کشته‌شده و آنها که بر اثر پرتشان از بلندی بمیرند و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند و باقی‌مانده صید حیوان درنده، مگر آنکه (به موقع به آن حیوان برسید و) آن را سر ببرید و حیواناتی که روی بت‌ها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت‌کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت‌آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است ..." (سوره المائده، آیه ۳). نهی از شراب؛ "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!" (سوره

از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است" (سوره فصلت، آیه ۴۲).

۲) شفا بخشی قرآن کریم

یکی دیگر از مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی، شفابخشی قرآن کریم است. شفا بودن قرآن کریم در سه آیه مطرح شده است [7]. در سوره یونس می‌فرماید که "ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی است برای مومنان" (سوره یونس، آیه ۵۷). و نیز در سوره اسرا می‌فرماید: "و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مومنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید" (سوره الاسرا، آیه ۸۲). و بلاخره در سوره مبارکه فصلت آمده است که "... بگو، این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و درمان است ...". (سوره فصلت، آیه ۴۴). به گفته *الرابع الاصفهانی*، شفا به معنای رسیدن به کنار سلامت است و آن اسم شده برای صحت [11]. به گفته مفسران، شفابخشی قرآن کریم در دو مقوله امراض روحانی و امراض جسمانی مطرح است [12, 13]. براساس آیات قرآن کریم، مرض تنها مرض بدن نیست، امراض اعتقادی و قلبی از امراض جسم شدیدتر است. قرآن کریم، شفا و دواي دردهای قلب است. شک، حقد، حسد، شرک، کفر و نفاق که امراض قلوب‌اند به وسیله قرآن زوده می‌شود [14]. با بررسی ابعاد مختلف انسان، نمی‌توان برای انسان فقط بیماری جسم را در نظر گرفت و در بهبودی آن تلاش کرد بلکه انسان دارای دو بُعد جسمی و روحی است که ممکن است هرکدام در معرض بیماری قرار گیرند و بیماری هرکدام موجب اختلال در کارایی ابعاد دیگر انسان شود. از این رو می‌توان بیماری‌های انسان را به سه نوع اعتقادی، روحی- روانی، جسمی تقسیم کرد. نزول قرآن در مرحله اول برای درمان بیماری‌های اعتقادی مردم بوده است تا آنها را از شرک، کفر و تاریکی‌ها به توحید، اسلام و روشنایی رهنمون سازد. در آیات متعددی به این مساله پرداخته شده است که هدف قرآن این است که شما را از ظلمت جهل به نور دانش، از کفر به نور ایمان، از ظلمات ستمگری به نور عدالت، از فساد به صلاح، از گناه به نور تقوی رهبری کند. آیاتی همچون "الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از بهارخوابی‌ها (شرک، ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان، عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان درآوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید" (سوره ابراهیم، آیه ۱) و "خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید" (سوره المائده، آیه ۱۶). از این رو قرآن شفا است؛ یعنی درمان برای امراض اعتقادی مانند کفر، نفاق و شرک است.

از سوی دیگر، قرآن کریم درمان بیماری‌های روحی است. بدون شک بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری‌های جسمی او دارد. هر دو نیاز به طبیب، درمان و پرهیز دارد. قرآن نسخه‌ای حیات‌بخش برای کسانی است که می‌خواهند با کبر، غرور، حسد و نفاق به مبارزه برخیزند و همچنین برای برطرف کردن ضعف‌ها و ترس‌ها، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها و برای کسانی که عشق به دنیا و وابستگی به مادیات و تسلیم بی‌قیدوشرط در برابر شهوت‌ها هستند؛ شفابخش است. برخی از روان‌شناسان با پژوهش در آیات قرآن دریافته‌اند که قرآن تاثیر زیادی بر روان انسان می‌گذارد و شفابخشی قرآن را با علوم تجربی مقایسه نموده‌اند و نتایج حاصل از آن تحت عنوان تاثیر قرائت

بنابراین، می‌توان گفت که آیات قرآن می‌تواند برای هر عصری پیامی داشته باشد که در زمان خاص خود فهمیده می‌شود و آیات مربوط به علوم پزشکی نیز از این امر مستثنی نیست.

۴) دعوت انسان به تفکر و دقت

یکی دیگر از مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی دعوت قرآن کریم به تفکر و دقت در مواردی است که به نوعی در علوم پزشکی کاربرد دارد. مواردی همچون دعوت به تفکر و دقت در منشا پیدایش انسان و مراحل خلقت او؛ "انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!" (سوره الطارق، آیه ۵)، دعوت انسان به تفکر در ساختمان وجودی حیوانات، "آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است" (سوره الغاشیه، آیه ۱۷)، دعوت به شناخت غذاها: "پس انسان به غذای خویش بنگرد (و تفکر کند)" (سوره عبس، آیه ۲۴)، حرام کردن برخی خوردنی‌ها مثل گوشت خوک و مردار و شراب که موجب برانگیختن حس کنجکاوای مسلمانان برای پی‌بردن به حکمت آن احکام شد و ارتباط برخی از احکام و عبادات مسلمانان با مساله سلامت و بیماری به گونه‌ای که علوم پزشکی می‌توانست در تشخیص این موضوعات کمک شایانی به فقه (احکام عبادت) باشد. برای نمونه، روزه بر انسان سالم در ماه مبارک رمضان واجب است، اما بر انسان بیماری که روزه برایش ضرر دارد یا موجب شدت بیماری او می‌شود، واجب نیست. همچنین استعمال آب برای غسل و وضو در مورد بیمارانی که برای آنان ضرر دارد جایز نیست. به عبارت دیگر، در کنار دعوت عمومی آیات قرآن به تفکر در پدیده‌های طبیعت همچون "و او کسی است که زمین را گسترده؛ و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرارداد؛ و در آن تمام میوه‌ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند" (سوره الرعد، آیه ۳)، موارد خاصی نیز وجود دارد که انسان را به تعلیم و تعلم شاخه‌های علوم پزشکی هدایت می‌کند و از آنجا که انسان موجودی دو بُعدی است (مادی و معنوی)، قرآن کریم نیز هر دو بُعد را در نظر دارد و می‌خواهد جسم و جان هر دو را شفا دهد. قرآن کریم دارای آیاتی در ارتباط با نکات بهداشتی و پزشکی است به گونه‌ای که با رعایت آنها می‌توان از بیماری‌ها جلوگیری کرد و البته با پیشرفت علوم پزشکی مصالح و حکمت‌های آنها در حال آشکار شدن است. آیات قرآن کریم که در مورد پیشگیری و بهداشت و تغذیه است در موضوعات زیر قابل دسته‌بندی است، الف) لزوم پیشگیری از بیماری‌ها با دقت و رعایت بهداشت در تهیه مواد غذایی، برای نمونه آیاتی که مشتمل بر دستورهای پیرامون چگونگی ذبح کردن حیوانات برای مصرف خوراکی است. ب) عدم استفاده از مواد تحریم شده به عنوان ماده غذایی همچون منع استفاده شراب، خوک، مردار و خون. ج) مواد غذایی که به مصرفشان توصیه شده است از طریق بیان فواید برخی از خوراکی‌ها و مواد غذایی. برای نمونه، عسل جز بهترین مواد غذایی است که تاکنون شناخته شده و فواید مصرف عسل به گونه‌ای است که در قرآن کریم از آن به عنوان شفا نام برده شده است؛ "... از درون شکم آنها، نوشیدنی بارنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است..." (سوره النحل، آیه ۶۹). از جمله فواید عسل می‌توان به رفع خستگی و فشردگی عضلات، افزایش کلسیم خون، تولید سریع انرژی و ترمیم قوا، کمک به مبتلایان اسهال به دلیل خاصیت میکروبی‌کشی و رفع سرفه اشاره کرد. جالب توجه است که عسل در رنگ‌های مختلفی وجود دارد و این مطلب در قرآن نیز ذکر شده است و می‌تواند تنوعی برای ذوق‌ها و سلیقه‌ها باشد، زیرا امروزه ثابت شده است که رنگ غذا در تحریک اشتها بسیار موثر است [20].

ب) **بهداشت شخصی (جسمی):** مانند وضو و غسل؛ "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جُنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)!..." (سوره المائده، آیه ۶)، طهارت لباس "و لباس را پاک‌کن" (سوره المدثر، آیه ۴).

ج) **بهداشت مسایل جنسی:** مانند ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهانه؛ "و از تو، درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو «چیز زینبار و آلوده‌ای است؛ از این‌رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند!...» (سوره البقره، آیه ۲۲۲)، دوری از زنا؛ "و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است" (سوره الاسراء، آیه ۳۲)، دوری از لواط؛ "و (به‌خاطر آوردن) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ‌یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسراف‌کار (و منحرفی) هستی" (سوره الاعراف، آیات ۸۱-۸۰)، دوری از استمناء؛ "و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند" (سوره المومنون، آیات ۷-۵).

حاصل سخن اینکه، قرآن برای بیماری‌های اعتقادی، روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی به صورت مستقیم دستور دارد حتی هدف از نزول خود را نجات انسان‌ها از بیماری اعتقادی و روحی و اخلاقی می‌داند، اما برای بیماری‌های جسمی و بهداشت فردی و اجتماعی و درمانی آن به صورت کنایه‌ای و در پرتو دستورات و در قالب باید و نباید (حرام و حلال) و هست و نیست (ارشادی) بیان کرده است. شایان ذکر است که این نسخه مانند نسخه‌های دیگر وقتی موثر است که به آن عمل شود و گرنه صمدبار اگر بهترین نسخه‌های شفا بخش را بخوانیم و روی سر بگذاریم ولی به آن عمل نکنیم، نتیجه‌ای نخواهد داشت [18].

۳) فراعصری بودن و جاودانگی قرآن کریم

یکی دیگر از مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی، مساله فراعصری بودن آن است که موجب تمایز آن از سایر متون الهی و غیرالهی شده است. به تصریح خود قرآن کریم، مخاطب و پیام قرآن فراعصری است و محدود به گروه و طبقه و زمان خاصی نیست. "... این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم)..." (سوره الانعام، آیه ۱۹). آیات متعدد دیگری نیز ظهور در جاودانگی مفاهیم و معارف قرآن دارند که از جمله آنها می‌توان به آیات مربوط به بعثت رسول مکرم اسلام (ص) (سوره الجمع، آیات ۳-۲)، تدبیر (سوره النساء، آیه ۸۲)، شکست‌ناپذیری قرآن کریم (سوره فصلت، آیه ۴۱) و جهان‌شمولی آموزه‌های قرآن کریم (سوره الفرقان، آیه ۱) اشاره کرد. با عنایت به مطالب پیش‌گفته باید گفت که اگر یک مطلب علمی معهود مخاطبان در عصر نزول قرآن نبوده باشد، دلیل بر این نیست که استنباط این مطلب از قرآن براساس قواعد، ساختار و استعمال لغت عرب نبوده است، بلکه برعکس، وجود چنین گستره عظیمی از مخاطبان، مستلزم آن است که پیام قرآن نیز متناسب با این طیف وسیع و سطوح معرفتی باشد. این در حقیقت، همان بلاغت اعجاز آمیز قرآن است که مطابق با مقتضیات حال مخاطبان در هر عصر و نسل سخن می‌گوید [19].

می‌شود.

۱) استفاده از علوم غیرقطعی به عنوان قرینه

علم معتبر و قطعی می‌تواند به عنوان قرینه غیرلفظی کلام الهی مورد استناد قرار گرفته و برای دستیابی به فهم بهتری از آیات به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، اجمال در آیات آفرینش آسمان و زمین و دیگر پدیده‌های طبیعی را می‌توان توسط علوم قطعی جدید تبیین و برطرف کرد. طنطاوی بیش از ۷۵۰ آیه از آیات قرآن کریم را ناظر به پدیده‌های طبیعی و آیات علمی می‌داند^[24]؛ اما باید توجه داشت که تنها از دستاوردهای علمی ثابت‌شده و مورد اطمینان که نزد متخصصان آن علوم به صورت حقایق علمی درآمده‌اند می‌توان به عنوان قرینه‌ای در فهم بهتر کلام الهی استفاده کرد و می‌بایست از استناد به فرضیه‌ها و تئوری‌هایی که هنوز آرکان آنها استوار نشده است، خودداری کرد. البته نباید گفت که در عرصه علم هیچ‌گاه حقایق ثابت و مسلم برای همیشه وجود ندارد، از این رو نمی‌توان علوم را قرینه‌ای برای فهم کلام الهی قرارداد، زیرا همین ثبات و استقرار نسبی حقایق علمی برای به کارگیری آنها در حوزه تفسیر قرآن کافی است و تا همین حد در توان محدود بشری ما می‌گنجد، چنان که در تعریف تفسیر از جهت اصطلاحی گفته‌اند؛ تفسیر به معنی بیان مراد کلام خداوند در حد توان و استطاعت بشری است^[25].

۲) تحمیل مطالب علوم پزشکی بر آیه بدون در نظر گرفتن دلالت ظاهر آیه و قرائن موجود

یکی دیگر از چالش‌هایی که در استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی قابل طرح است، تحمیل مطالب پزشکی هرچند معتبر بر آیات قرآن کریم بدون در نظر گرفتن ظاهر آیه و قرائن موجود است. ذیل به چند مورد اشاره می‌شود.

الف) عدم توجه به سیاق: عدنان الشریف نویسنده کتاب "من علم الطب القرآنی، الثوابت العلمیه فی القرآن الکریم" از قواعد قرآنی که در تفسیر آیات قرآن کریم به آن ملتزم هست یاد می‌کند. قواعدی مانند ۱) ضرورت داشتن تقوی با عنایت به آیه "... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ ..." (سوره البقره، آیه ۲۸۲) و اینکه خداوند متعال قرآن را به عالم پرهیزکار در کنار احاطه به علومی همچون علم تفسیر، علم تنزیل، علم فقه، علم حدیث و علم زبان عربی و قواعد آن تعلیم می‌دهد، ۲) قاعده مثنائی که بیانگر توضیح و تفسیر برخی آیات توسط برخی آیات دیگر است و ۳) بهره‌گیری از احادیث معتبر مروی از رسول خدا^(ص) در تفسیر آیات قرآن کریم^[26]. عدنان الشریف، به‌رغم تاکید بر قواعد قرآنی پیش‌گفته، در تفسیر آیه‌های "إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيَّهَا حَافِظٌ" (سوره الطارق، آیه ۴) و "لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ ..." (سوره الرعد، آیه ۱۱) می‌نویسد که آیا می‌شود در قرن بیستم این آیه‌ها را به همان معانی که از سوی پیامبر^(ص) برای آن آمده است تفسیر کرد و مراد از حافظ را فرشتگانی که شبانه‌روز در حفظ انسان می‌کوشند تفسیر کرد و از جوهی دیگر که به کمک علم روشن‌شده است چشم پوشید؟ وی سپس می‌افزاید مراد از "نفس" در آیه همه حیوانات، گیاهان و انسان‌ها و به دیگر سخن آفریده‌های زنده است و مراد از "حافظ" و "معقبات" نیز سیستم دفاعی حیوانات، گیاهان و انسان‌ها است. وی برای نمونه برای سیستم دفاعی انسان از سه خط دفاعی اصلی یاد می‌کند. پوست (به عنوان خط دفاعی نخست)، سیستم دفاعی خاص هر عضو (به عنوان خط دفاعی دوم) برای نمونه برای چشم انسان پلک و اشک و بالاخره خون (به عنوان خط دفاعی سوم)^[27].

استدلال عدنان الشریف به آیه "لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِّنْ

نمونه دیگر، شیر است. در قرآن کریم آمده که "و در وجود چهارپایان، برای شما (درس‌های) عبرتی است از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نشانیم!" (سوره النحل، آیه ۶۶). شیر، یک غذای کامل است که هم به جای آب است و هم به جای غذا و تمام نیازهای بدن را تامین می‌کند. در روایات می‌خوانیم شیر، عقل را زیاد، ذهن را صفا، چشم را روشنی، قلب را تقویت، پشت را محکم و فراموشی را کم می‌کند^[21]. شیر در بین فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است؛ اما به طور کلی، شیر به عنوان دارو در اغلب نوشته‌های باستانی و در طب قدیم از آن به عنوان دارو در درمان بعضی بیماری‌ها یاد شده است. امروزه این عقیده نیز وجود دارد که شیر بهترین غذا برای بیماران است. به علت سهل‌الهضم بودن این ماده آن را همواره در رژیم تغذیه‌ای بیماران قرار داده و مصرف شیر در برنامه غذایی روزانه اکثر افراد جامعه توصیه می‌شود. علاوه بر مطالب فوق شیر نقش مهمی در سلامت پوست دارد. همچنین شیر در اغلب مسمومیت‌ها به عنوان ترکیب کاهش‌دهنده عوارض مسمومیت مورد استفاده قرار می‌گیرد^[20].

نمونه‌های دیگر انجیر و زیتون است. خداوند، از یک طرف به انجیر و زیتون قسم یاد می‌کند که "قسم به انجیر و زیتون یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس" (سوره التین، آیه ۱) و از طرف دیگر بحث قوام انسان را مطرح می‌کند "که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم" (سوره التین، آیه ۴). ذات باری تعالی، با قسم‌خوردن به این دو میوه توجه و حس کنجکاو بشر را نسبت به این دو غذا جلب کرده است و شاید یکی از حکمت‌های مهم سوگند قرآن به این دو میوه به اهمیت و ارزش غذایی آنها باشد. به نظر می‌رسد بین انجیر و زیتون و قوام انسان ارتباط وجود دارد. به تعبیر آیت‌الله طالقانی، انجیر و زیتون دو گونه میوه مرکب از مواد عنصری و دو نوع غذای طبیعی و به اندازه و سالم هستند که در کارخانه اعضای درخت ساخته و پرداخته می‌شوند و در دسترس انسان قرار می‌گیرند و منشا پرورش و قوام بدنش می‌شوند و هر دو مکمل یکدیگرند^[22]. دانشمندان بعد از پژوهش‌هایی در انجیر به این نتیجه رسیده‌اند که انجیر تاثیر مستقیم در قوام و قدرت انسان و سلامت بدن دارد^[17].

شایان ذکر است که در برخی آیات، بدون نام‌بردن از یک خوراکی خاص، فقط بر ضرورت استفاده از روزی‌های حلال و پاکیزه (طیب) و خودداری از غذاهای ناپاک (خیابث) اشاره شده است. برای نمونه "و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید ..." (سوره المائده، آیه ۸۸) و "... اشیا پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند ..." (سوره الاعراف، آیه ۱۵۷).

چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی

افراط در هر روش تفسیری ممکن است منجر به تفسیرهای ناصحیح و غیرمقبول شود. برای نمونه در روش تفسیر ماثور، اعتماد به هر روایت ضعیف و غیرمعتبر، نتیجه‌ای جز ارایه تفسیری ناصحیح و گاه مخالف قرآن و عقل سلیم ندارد. اساساً یکی از علل ضعف تفاسیر ماثور، ورود اسرائیلیات و روایات ضعیف به این تفاسیر است^[23]. به همین ترتیب در استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی، عدم رعایت ضوابط و مبانی ضروری به تفسیری ناصحیح از کلام الهی منتهی می‌شود. مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی که منتهی به ارایه تفسیری ناروا از آیات قرآن کریم می‌شود در ادامه بیان

از گلی بی‌جان، پرنده‌ای جاندارساختن، با بیماری پوستی از نوع سفیدشدن موضعی پوست (Vitaligo) که وقتی با اختلال دیگری همراه نباشد خودبه‌خود نیز قابل خوب شدن است و به طور عموم زیان و آسیب مشخصی به سلامت فرد نمی‌رساند و قابل سرایت به دیگران نیست و تنها یک تغییر رنگ پوستی در بعضی قسمت‌های بدن است، با سنگینی و صلابت و استواری آیات الهی در مورد سه امری که انجام آن برای بشر محال است، تناسبی دارد؟! [30] در پاسخ، چنین ارزیابی می‌شود که کلمه "برص" باید نوعی بیماری صعب‌العلاج باشد، نه فقط تغییر رنگ پوست [30]. این دقت باعث می‌شود که تفسیر درستی از "برص" به عمل آید و به عنوان یکی از بیماری‌های صعب‌العلاج از نوع جذام شناخته شود که احتیاج به تشخیص درست و تخصصی پزشکی و درمانی درازمدت دارد [30]. به گفته این پزشک، باید تلاش کرد تا آیات الهی مورد سوءاستفاده آنانی که ضعف ایمانی دارند یا "حدود الهی" را در این مورد به درستی نمی‌شناسند یا تنها به دنبال هوی و هوس فردی هستند، قرار نگیرند. از سوی دیگر، احکام اسلام همراه با حکمت و رحمت است و اگر ببینیم که فقط با تغییر در رنگ‌دانه‌های پوست و تفاوت نمای ظاهری آن، خودبه‌خود قابل برگشت است و بهبود می‌یابد، عقد ازدواج خدشه‌دار شده و قابل قطع کامل باشد، باید دید چگونه احکام صادر از سوی اسلام در زمینه یادشده با حکمت، سازگار است. گذشته از این، اگر بنا باشد که با تغییر رنگ سطحی پوست، عقد ازدواج، قابل فسخ باشد پس بیماری‌های بسیار بدعاقبت‌تر، مانند بیماری‌های پیشرفته کبد، بیماری‌های روماتیسمی و مزمن قلبی، بیماری‌های مزمن کلیوی، بیماری‌های دیابت قندی وابسته به انسولین (مخصوصاً از نوع جوانان) و بعضی از انواع بیماری‌های خونی مانند نوع شدید "تالاسمی" که با ازبین‌رفتن مداوم گلبول قرمز به واسطه اختلال در ترکیب ساختمانی آن همراه است و موجب کم‌خونی شدید و ضایعات دیگر جسمی می‌شود و یک بیماری ارثی است و در نسل‌های بعدی نیز بیماری‌زا است، نیز باید مجوز فسخ باشد [30].

نتیجه‌گیری

هدف اصلی نزول قرآن، به عنوان معجزه جاویدان رسول مکرّم اسلام^(ص) هدایت معنوی انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است. رسیدن به کمال، نیازمند پرورش روح و سلامت جسم و تغذیه آن است. حدود ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم درباره علوم پزشکی است. علوم پزشکی، ناظر به درمان، معالجه و بهداشت به معنی پیشگیری است. شفابخشی قرآن کریم، فراعصری بودن و جاودانگی آن، دعوت انسان به تفکر و دقت در پدیده‌های طبیعی از مهم‌ترین مبانی استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی است. استفاده از علوم غیرقطعی، تحمیل نظریه‌های اثبات‌نشده بر قرآن کریم و تطبیق تکلف آمیز مطالب علوم پزشکی بر قرآن کریم، از مهم‌ترین چالش‌های استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی است.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: عباس مصلابی‌پور (نویسنده اول)، تمام امور مربوط به مقاله توسط ایشان انجام شده است (۱۰۰٪).

منابع مالی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

حَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ... (سوره الرعد، آیه ۱۱) درست نمی‌نماید، چه اینکه در آیه ضمیرهای "له، یدیه، خلفه و یحفظونه" به همان موصول در آیه پیشین "سواءً مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلِ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ" (سوره الرعد، آیه ۱۰) بازمی‌گردد. واژه "من" در این آیه بی‌گمان به انسان بازمی‌گردد و آنچه نگاه داشته می‌شود انسان است نه تمام حیوانات و گیاهان، چنان که عدنان الشریف پنداشته است [27]. شایان ذکر است که مفسران نیز مرجع ضمیر در "له" را یا فقط موصول در آیه پیشین (من) گرفته‌اند [28] یا موصول در آیه قبل یا لفظ جلاله یا رسول مکرّم اسلام^(ص) ذکر کرده‌اند [29].

ب) عدم توجه به معانی دقیق واژگان: یکی دیگر از چالش‌هایی که در استناد به آیات قرآن کریم در علوم پزشکی قابل‌طرح است، عدم توجه به معانی دقیق واژگان قرآنی است که در ادامه به یک مورد اشاره می‌شود.

واژه "الابرص" در دو سوره قرآن کریم (سوره آل عمران آیه ۴۹ و سوره مائده آیه ۱۱۰) آمده است [7]. هر دو آیه در مورد معجزات حضرت عیسی^(ع) و از دلایل اثبات حقانیت رسالت او است که آن حضرت به اذن خداوند متعال، کور مادرزاد را درمان می‌کرد و به زنده‌کردن مردگان می‌پرداخت و از گل، شکل پرنده‌ای می‌ساخت و در آن می‌دمید که به صورت موجود زنده‌ای در می‌آمد و "برص" را نیز درمان می‌کرد. "برص" نوعی بیماری پوستی است که یکی از عوارض آن، بروز تغییر رنگ و سفیدشدن موضعی آن است. اهمیت بررسی و درک صحیح آن در فرهنگ اسلامی، بدان جهت است که این عارضه در احکام فقهی و قانون ازدواج و طلاق مورد نظر قرار گرفته و هنگامی که پس از عقد ازدواج، مشخص شود که زن، مبتلابه "برص" بوده و مرد از آن اطلاعاتی نداشته و احساس غبن کند، یکی از عواملی است که می‌تواند موجب فسخ عقد ازدواج گردد [30]. این کلمه در فارسی به پیسی با سفیدشدن موضعی پوست در نقاط مختلف بدن، تعبیر شده است. در پزشکی، عارضه تغییر رنگ، بر اثر اختلال در رنگ‌دانه‌های پوست (چه افزایش و کاهش و ازبین‌رفتن سلول‌های حاوی رنگ‌دانه) به دو صورت ایجاد می‌شود؛ به صورت ثانویه که شایع‌ترین است و بیش‌تر در اثر بیماری‌های مزمن کبدی، اختلالات غددی، کمبودهای ویتامینی و مصرف داروهای خاص یا تماس با آنها، مانند داروهای ضدسرطان ایجاد می‌شود. در این موارد با درمان نهایی یا بهترشدن بیماری زمینه‌ای این اختلال نیز بهترشده یا کاملاً خوب می‌شود [30]. حالت دیگر، تغییر رنگ به شکل اولیه بوده که در این صورت یا به واسطه بیماری مادرزادی و ارثی ایجاد می‌شود که آن را در اصطلاح پزشکی آل‌بینیسم می‌نامند یا در طول زندگی بروز می‌کند که آن را در اصطلاح پزشکی Vitaligo می‌نامند و ظاهراً کلمه "پیسی" در فارسی به این نوع اختلال پوستی گفته می‌شود. در نوع آل‌بینیسم اختلال، درمان نهایی ندارد، ولی در نوعی که با ازبین‌رفتن بدون علت رنگ‌دانه و سفیدشدن موضعی پوست ایجاد می‌شود (Vitaligo) در بررسی‌های آماری مشخص شده که تا حدود یک‌سوم موارد ممکن است خودبه‌خود به تدریج خوب شود و رنگ‌دانه‌های پوست، به حالت طبیعی بازگشت کنند [30]. اکنون باید ارزیابی کرد که آیا کنار هم نهادن کارهایی همانند شفا دادن کور مادرزاد که اگر با اختلالات عصبی چشمی همراه باشد، در پزشکی قابل‌درمان نیست و زنده‌کردن مردگان که فقط در قدرت بی‌پایان خداوند متعال است و در مواردی اولیای الهی (پیامبران) به اذن پروردگار در مقطعی از زمان می‌توانند آن را انجام دهند و همچنین

[Persian]

17- Abas Nezhad M. Qur'an And Medicine. Mashhad: Foundation for Qur'anic Researches and Universities; 2006. [Persian]

18- Makarem Shirazi N. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 2nd Volume. Tehran: Dar al-Ketab Eslamiyeh; 1973. p. 242. [Persian]

19- Mazaheri Tehrani B, Mosallaei-Pour A, Rouhani Mashhadi F. An introduction to the theological foundations of the scientific interpretation of the holy Qur'an. J Ayneh Marefat. 2016;16(3):75-100. [Persian]

20- Bazvand Nezhad S. Quranic views on food hygiene. In: Shahed University. Qur'an and medicine. 2nd volume. Mashhad: Foundation for Qur'anic Researches in Hawza and Universities; 2010. p. 616-7. [Persian]

21- Qara'ati M. Interpretation of light. 4th volume. Tehran: Lessons from the Holy Qur'an Culture Center; 2005. p. 543. [Persian]

22- Taleghani SM. Radiance from Qur'an. 4th volume. Tehran: Sahami-e Enteshar Corporation; 1983. p. 167. [Persian]

23- Marefat MH. Interpretation and interpreters in new cloth. 2nd volume. Mashhad: Razavi Society for Islamic science (al-Jame'e al-Razavie lel-Oloum-e al-Eslamiyeh); p. 29-31. [Arabic]

24- Tantavi Jowhari. Essences in Qur'an Interpretation. 1st volume. Beirut: Dar al-Kotob Elmiyeh; 2004.

25- Zarghani MA. Fountains cognition in the sciences of the Qur'an. Zamerli FA, editor. 2th volume. Beirut: Dar Ehya-e al-Turath-e al-Arabi; 1995 . p. 518. [Arabic]

26- al-Sharif A. From the science of Qur'anic medicine; Scientific constants in the Holy Qur'an. Beirut: Dar al-Elm le al-Mollaein; 2011. [Arabic]

27- Bahrami M. The analysis of deficiencies in 14th; scientific exegesis. Qur'an Res. 1997;2(7-8):178-205. [Persian]

28- Abu al-Qasim Mahmud ibn Umar al-Zamakhshari. Find out the facts of the mystery of descend. 2nd volume. Mustafa HA, editor. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi; 1986. p. 517. [Arabic]

29- Fazl Ibn-e Hassan Tabarsi. Collection of sayings in the interpretation of the Quran (Majma'al-Bayan). 6 volume. Qom: Naser Khosrow; 2004. p. 431. [Persian]

30- Farhoodi M. The concept of Leprosy in the Qur'an and its relation to medical issues. In: Shahed University. Qur'an and medicine. 1st volume. Mashhad: Foundation for Qur'anic Researches in Hawza and Universities; 2010. [Persian]

منابع

1- Saheb Jawaher MHB. Essanses of speech in explaining the islamic Shariah (Jawaher al-kalam fi sharh-e sharaye' al-eslam). 6th volume. Beirut: Dar Ehya-e al-Turath-e al-Arabi; 1983. [Arabic]

2- Rezei HR. Aims and methodology of medical verses in the Qur'an. Qur'an Sci. 2008;2(2):41-68. [Persian]

3- Tirgar A, Habibzadeh Y, Aghalari Z. Monitoring of the scientific outputs of medical sciences according to using of the Qur'an. Teb Va Tazkiyeh. 2017;25(3):129-36. [Persian]

4- Fyoomi SS. Medical miracles in the Holy Qur'an. Cairo: Maktaba al-Qudsi; 2004. [Arabic]

5- Dekhoda AA. Dekhoda dictionary. 12th volume. Tehran: Tehran University Press; 1998. [Persian]

6- Shaker MK. Basics and methods of interpretation. Qom: World Center of Islamic Sciences; 2003. [Persian]

7- Abd al-Baghi MF. Glossary of the holy Qur'an. Cairo: Dar al-Kotob al-Mesriyeh; 1945. p. 214-5. [Arabic]

8- Mohammad ibn-e mokrarram Ibn-e Manzour. Language of Arab (Lesan al-Arab). 12th volume. Beirut: Dar-e Sader; 1955. p. 140. [Arabic]

9- Jvadi Amoli A. The subject commentary on the Holy Qur'an: Monotheism In Qur'an. Qom: Isra; 2005. p. 391. [Persian]

10- Tabatabaei MH. The balance in interpretation of Qur'an (Tafsir al-Mizan). 16th Volume. Mousavi Hamadani MB, translator. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom, Islamic office press; p. 209. [persian]

11- Al-Raghib al-Isfahani. Vocabulary in the strange Qur'an (Al-Mufradat fi Gharib al-Quran). Davodi SA, editor. Beirut: Dar al-Shamiyeh; 1992. p. 459. [Arabic]

12- Ab al-Fotouh Razi Hossain ibn-e Ali. The cool breeze of paradise and [God's] breath for the soul (Rawz al-jinan wa ruh al-jinan). 12th Volume. Ya Haghi MJ, Naseh MM. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi; 1987. p. 277. [Persian]

13- Fakhr-e Razi Mohammad ibn-e Omar. Great interpretation (Keys to the unseen world). 21th volume. Beirut: Dar Ehya-e al-Turath-e al-Arabi; [date unknown]. p. 389. [Arabic]

14- Qorshi AA. Qur'an dictionary. 4th volume. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyeh; 1975. p. 59. [Persian]

15- Rezai Isfahani MA. The critical study of the Quran's scientific miraculousness. Rasht: Mobin Book; 2001. p. 398-402. [Persian]

16- Ehsan Manesh M, Karimi I, editors. Articles of the first conference on the role of religion in mental health